

عکس‌های یادگاری با جامعه مدنی

(مجموعه مقالات)

دکتر صادق زیباکلام

مجموعه مقالات نشر شده در ماهنامه جامعه سالم
(۷۷۶۱، پیوسته - ۹۷۶۱، تلفظ)

مقدمه نویسنده ۹

بخش اول: مقالات منتشر شده در ماهنامه جامعه سالم
(اردیبهشت ۱۳۷۶ - تیرماه ۱۳۷۷)

دمکراسی، جناح چپ (اسلامی) و هفتمین انتخابات ریاست جمهوری .. ۲۵

آنان که گفتند: «آری»، آنان که گفتند: نه، نگاهی از منظر سوم ۳۹

یا سیاه یا سفید: «مسأله ما» ۵۷

قانون، حکومت، امنیت و اقتصاد ۷۷

جامعه مدنی، قانون و حکومت ۸۹

ایران، انقلاب، بحران بلوغ (میزگرد) ۱۰۳

جامعه مدنی و گروههای فشار ۱۴۱

لیبرالیسم و فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ما ۱۵۱

بخش دوم: مقالات هفته نامه آبان
(دی ۱۳۷۶)

مذاکره با امریکا خیانت نیست ۱۶۰

جناح راست تحول جامعه را درک نمی کند ۱۸۳

بخش سوم: مقالات روزنامه‌های جامعه و توس (اسفند ۱۳۷۶ - شهریور ۱۳۷۷)

۱۹۹	حماسه سازان گمنام دوم خرداد
۲۰۵	ساعت «۹ شب» با آقای وزیر
۲۰۷	میخک سفید بر سر قلم
۲۱۳	عشق تنها راه حل نیست باید عادل بود
۲۱۹	مجلس، کنترل دولت و اقتصاد
۲۲۵	مخالفان دوم خرداد نادانسته آب به آسیاب دشمنان انقلاب می‌ریزند
۲۲۷	امام خمینی، پانزدهم خرداد و انقلاب اسلامی
۲۳۳	محاكمه کرباسچی و استقلال قوه قضائیه
۲۳۷	حرمت قانون را پاس بداریم
۲۴۱	درباره استیضاح وزیر کشور
۲۴۷	افغانستان، طالبان و روزنامه توس
۲۵۳	باز هم در مورد افغانستان
۲۵۹	جنگ با طالبان برنده‌ای نخواهد داشت
۲۶۷	ما برای هر جنگی فقیریم
۲۷۱	محمدجواد حجتی، دکتر علی‌اکبر ولایتی و شانزده سال مدیریت وزارت خارجه
۲۷۹	محسن رضایی، احمد رضایی و روزنامه توس
۲۸۱	مخالفین دوم خرداد
۲۸۳	وزارت اطلاعات و ضرورت نظارت قوه مجریه

مقدمه نویسنده

دست و پای می‌توان زد بند اگر بر دست و پاست
وای بر حال گرفتاری که بندش بر دل است

شاید کسی باور نکند اما واقعیت آن است که سردرآوردن من از مطبوعات و رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی، از بوقهای اجنبی و استعماری گرفته تا بوق بزرگ دانشگاه اسلامی (یعنی رادیو و تلویزیون خودمان)، بیش از آنچه که معلول انتخاب، تصمیم‌گیری و خلاصه طرح و برنامه حساب شده‌ای باشد، معلول تصادف بود. فی‌الواقع اگر درست‌تر خواسته باشم بگویم اساساً تصویر و تصویری که از من بوجود آمده به هیچ‌وجه از روی برنامه و طراحی شخصی خودم نبود^(۱). بسیاری برای اهداف اجتماعی‌شان و جایگاهی که برای خود قائلند یا می‌خواهند به آن برسند کلی برنامه‌ریزی کرده و گامهای حساب شده برمی‌دارند تا به مقصود برسند. اما من واقعاً خودم هم نمی‌دانم که چه شد و چگونه من به اینجا رسیده‌ام. فقط می‌دانم حتی تا اواسط سال ۱۳۷۶، اگر آینه‌بین یا طالع‌بینی برایم «سرکتاب» باز می‌کرد یا فال‌بینی برایم فال قهوه یا نخود می‌گرفت، یا کف‌بینی، به دستانم می‌نگریست و به من می‌گفت که بزودی از تو به‌عنوان «صاحب‌نظر» در مطبوعات و بوقهای استعماری یاد خواهد شد، صفی برای مصاحبه و گفتگو با تو بسته می‌شود و

۱- البته اگر آنقدر ساده باشیم که این را باور کنیم، هنوز این واقعیت سرجای خودش باقی می‌ماند که عوامل مری و نامریی استکبار و استعمار، دستهای پشت پرده، عوامل نفوذی و خلاصه در یک کلام «دشمن»، بدون آنکه خودم متوجه شده باشم مرا همچون یک مهره وابسته و خودباخته مطرح کرده‌اند که به مقاصد پلید و ضد بشری‌شان برسند.